

اسطوره های ایران باستان

۳۴۳۲
۱۴۵

مؤلف:

عبدالعلی پارسا زاده



انتشارات آردن

سرشناسه	: پارسازاده، عبدالعلی، ۱۳۲۸
عنوان و نام پدیدآور	: اسطوره‌های ایران باستان / مولف: عبدالعلی پارسازاده
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	: ۵۴۸ ص، مصور
شابک	: ۵ - ۳۳۶ - ۳۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: اساطیر ایرانی - Mythology, Iranian
موضوع	: ایران - تاریخ - پیش از اسلام - Iran - History - To ۶۳۳
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ۵ الف ۲ پ / BL۲۲۷۰
رده‌بندی ری	: ۲۹۱/۱۳۰۹۵۵
شماره ثبت سی ملی	: ۴۴۴۹۷۸



انتشارات آرون

اسطوره‌های ایران باستان

مولف: عبدالعلی پارسازاده

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۲۰۰ نسخه

۵۶۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - نرسیده به خیابان منیری جاوید

تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

پلاک ۱۰۵ - واحد ۳

وبسایت: www.Arvanashr.ir

ایمیل: Arvanashr@yahoo.com

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۵	پیشگفتار
۱۸	ریشه واژه اسطوره
۲۳	تعریف اسطوره
۲۷	فصل نخست: اساطیر آریایی
۲۷	خدایان و آفرینش جهان در ایران باستان
۳۶	خدایان و آفرینش جهان ایرانیان باستان (از نگاه استاب و دکتر اسماعیل پور)
۳۷	اسطوره در ادیان مختلف به خصوص اسلام چه نقشی دارد؟
۳۸	شرحی کوتاه
۴۲	نگاهی به کتاب شاهنامه منجی هویت ایرانی
۴۳	اشاره‌ای به شاهکار فرهنگی و ادبی حکیم فردوسی
۴۴	سرایش
۴۵	نقاشی دوره قاجار از شاهنامه
۴۶	محتوا و بخش‌بندی:
۴۸	اشاره‌ای به بخش اسطوره‌ای
۵۱	اشاره‌ای به بخش پهلوانی
۵۱	رستم با نیزه‌اش آلكوس (قهرمانی تورانی) را می‌کشد

- کیخسرو، افراسیاب را به کین پدرش سیاوش می‌کشد ۵۲
- اشاره‌ای به بخش تاریخی ۵۴
- نگاره‌ای از شاهنامه ۵۴
- چکیده‌ای از شاهکار ادبی و حماسی حکیم فردوسی ۵۷
- ادبیات چیست؟ ۵۸
- منظومه‌های حماسی ۷۳
- مشخصه‌های مشترک حماسه‌های ادبی: ۷۶
- نتیجه ۷۷
- بررسی و تحلیل ۷۷
- اساطیر و عتاید پیش از یی در ایران ۷۸
- ریشه‌های اساطیر آریایی ۸۱
- شکل‌گیری اساطیر ایرانی ۸۱
- اساطیر کهن ایرانی ۸۲
- نمای کل جهان ۸۲
- اهوره مزدا وانگره مینو ۸۳
- ایزدان و امشاسپندان ۸۴
- اسطوره‌های آفرینش و پایان جهان ۸۵
- تاریخ اساطیری ایران ۸۸
- تاریخچه ۹۰
- آئین زروانی و آئین مزدیسنا ۹۱
- انسان‌شناسی زروانی ۹۱
- ماهیت دو بن ۹۲
- خویشکاری دو بن ۹۲
- اوصاف دو بن ۹۳
- دیو آز ۹۴
- فقدان زروان در سرودهای زرتشت ۹۴

۹۴	ریشه‌های اوستایی
۹۵	چهار اقنوم در زروان
۹۵	آئین زروانی در ماد
۹۶	تأثیر آئین زروانی بر آئین مانی
۹۶	فرجام شناسی
۹۷	سپننه آرمیتی
۹۸	واژه‌شناسی
۹۹	آئین باستان ام‌اسپندان
۱۰۰	رده‌بندی ام‌اسپندها
۱۰۱	تقویم زرتشتی
۱۰۲	ایزد مهر
۱۰۲	روند مهرپرستی در ایران
۱۰۵	هفت مقام اسطوره‌ای از میترائیسم «هفت مایه عرفان»
۱۰۸	مقام اول
۱۰۹	مقام دوم
۱۱۰	مقام سوم
۱۱۲	مقام چهارم
۱۱۲	مقام پنجم
۱۱۳	مقام ششم
۱۱۴	مقام هفتم
۱۱۶	آناهیتا
۱۱۶	پیشینه
۱۱۹	نام سرزمینی باستانی رُخج
۱۱۹	پرستشگاه‌ها

۱۳۱	فصل دوم: پیشدادیان
۱۳۱	کیومرث اولین پادشاه ایران و جهان
۱۳۳	ریشه‌شناسی نام کیومرث
۱۳۴	کیومرث در اوستا
۱۳۵	دیدگاه‌ها درباره کیومرث
۱۳۶	نخستین شاه
۱۳۶	هوشنگ در شاهنامه
۱۳۸	طهماسب در اوستا
۱۳۸	جمشید شاه
۱۳۹	جمشید در اوستا
۱۴۰	ریشه‌ها و تحول افسانه جمشید
۱۴۱	بارگاه یا تخت جمشید
۱۴۲	لقب جمشید نزد پادشاهان ایرانی
۱۴۲	داستان ضحاک با پدرش
۱۴۳	ضحاک در اوستا
۱۴۶	ضحاک در شاهنامه فردوسی
۱۴۶	فریب اهریمن
۱۴۷	رویدن مار بر دوش ضحاک
۱۴۷	گرفتارشدن جمشید
۱۴۸	نام دختران جمشید در اوستا
۱۴۸	خواب دیدن ضحاک
۱۴۹	زادن فریدون
۱۴۹	خبر یافتن ضحاک
۱۵۰	آگاه شدن فریدون از پشت (نسب) خود
۱۵۰	خشم فریدون
۱۵۱	بیم ضحاک و گرفتن گواهی بر دادگری خویش

فهرست مطالب	۷
داستان کاوه	۱۵۱
درفش کاویانی و چرایی نام آن	۱۵۲
پایان کار ضحاک	۱۵۲
به بند کشیدن ضحاک در کوه دماوند توسط فریدون	۱۵۳
آبتین پدر فریدون	۱۵۳
نسب	۱۵۴
فریدون	۱۵۵
فریدون در خره‌نگ عامه	۱۵۶
تطابق فریدون و کوروش هخامنشی	۱۵۷
شباهت داستان اردکی فریدون با کوروش	۱۵۷
شباهت سپاکو و فرات	۱۵۸
کیانیان	۱۵۸
آمیختگی تاریخ اساطیری و تاریخ واقعی	۱۵۹
منابع اسطوره‌های ایرانی	۱۵۹
فصل سوم: بخش کیانی یا پهلوانی	۱۶۱
کاوه آهنگر	۱۶۱
دستگیری پسران کاوه	۱۶۳
درفش کاویانی در زمان ساسانیان	۱۶۳
ورود فریدون	۱۶۳
دیدار زال با رودابه	۱۶۴
پادشاهی بوذر	۱۷۸
پادشاهی زوطهماسب	۱۸۴
پادشاهی گرشاسپ	۱۸۵
چهره گرشاسپ در اوستا و بازتاب آن در شاهنامه فردوسی	۱۸۵
ویژگی‌های گرشاسپ در اوستا و شاهنامه	۱۸۶
الف - فر ایزدی	۱۸۶

۱۸۶	ب- کشتن اژدها
۱۸۷	پ - کشتن دیو گندرو
۱۸۷	ت - کشتن «ورشیه»
۱۸۸	ج - کشتن «سندویذک»
۱۸۹	سرانجام زال
۱۹۰	رستم
۲۰۱	سیاوش
۲۰۴	عشق سیاوش به سیاوش
۲۰۸	پناهنده شدن سیاوش به افراسیاب
۲۰۹	کشته شدن سیاوش
۲۱۲	اسفندیار
۲۱۳	داستان هفت خان اسفندیار
۲۱۴	خان اول: کشتن اسفندیار بو گرگ را
۲۱۵	خان دوم: کشتن اسفندیار شیران را
۲۱۵	خان سوم: کشتن اسفندیار اژدها را
۲۱۶	خان چهارم: کشتن اسفندیار زن جادو را
۲۱۶	خان پنجم: کشتن اسفندیار سیمرغ را
۲۱۷	خان ششم: گذشتن اسفندیار از برف
۲۱۸	خان هفتم: گذشتن اسفندیار از رود و کشتن گرگسار
۲۲۲	پادشاهی منوچهر از شاهنامه
۲۲۷	آرش کمانگیر
۲۲۸	یادمان آرش کمانگیر در میدان آرش در کنار برج میلاد تهران
۲۲۸	آرش در منابع زرتشتی
۲۲۹	آرش در شاهنامه
۲۳۰	در کتاب‌های دیگر
۲۳۰	آرش در فرهنگ دهخدا

۲۳۱	نام پهلوانی کماندار از لشکر منوچهر
۲۳۱	خسرو
۲۳۲	ویس و رامین
۲۳۲	جایگاه آرش کجاست
۲۳۴	بهمن
۲۳۷	فصل چهارم: همای پادشاه ایران زمین
۲۳۷	همای چهارزا: مقتدرترین و ستمدیده‌ترین زن شاهنامه
۲۴۷	نتیجه‌گیری
۲۴۸	گردآفرید شیرزن ایرانی
۲۵۱	پادشاهی کیخسرو
۲۸۱	سرگذشت برزو پسر بهرام
۳۰۷	فرامرز پسر رستم
۳۰۹	کی قباد
۳۱۰	قبر مادر کی قباد
۳۱۲	کی کاووس سفر به آسمان «عروج»
۳۱۲	جنگ با دیوان
۳۱۳	گودرز کی کیست؟
۳۱۳	گیو پسر گودرز
۳۱۴	سرگذشت بهرام (در شاهنامه)
۳۳۱	بیژن و منیژه
۳۴۱	فصل پنجم: بخش تاریخی
۳۴۱	زرتشت پیامبر ایران
۳۴۲	ریشه و معنای نام
۳۴۳	نگاره‌ای از زرتشت در آتشکده یزد
۳۴۴	خاستگاه زرتشت
۳۴۵	تبار و خانواده زرتشت

- زندگی زرتشت اسپنتامان ۳۴۵
- مکتب آتف پیرامون ۱۵۱۰ میلادی ۳۴۵
- جایگاه گات‌ها، سخنان زرتشت، در اوستا ۳۴۷
- اهمیت گات‌ها در شناخت دین زرتشت ۳۴۷
- دین زرتشت از ورای گات‌ها ۳۴۸
- یکتاپرستی ۳۴۹
- دوگانگی خرد انسان ۳۴۹
- اختیار انسان ۳۵۰
- ارج‌گذار زندگی در این جهان ۳۵۱
- اساس دین زرتشت ۳۵۱
- آیین پرستش و دراسمینی ۳۵۲
- سنگش اعمال در روز ساهین ۳۵۲
- ازدواج ۳۵۳
- زرتشت از دیدگاه اسلام ۳۵۴
- موعود (سوشیانس) ۳۵۶
- واژه سوشیانت ۳۵۶
- اوضاع جهان پیش از ظهور ۳۶۱
- جهان در آستانه آمدن هوشیدر ۳۶۲
- جهان در آستانه ظهور سوشیانت ۳۶۴
- ویژگی‌های موعود زرتشتی ۳۶۶
- فرجام جهان در اندیشه زرتشتی ۳۶۷
۱. نابودی اهریمن و بازگشت به جهان پاک و عاری از ظلم و ستم ۳۶۷
۲. گسترش دین و اخلاق ۳۶۷
۳. تشکیل حکومت جهانی ۳۶۸
۴. اجتناب‌ناپذیر بودن جنگ ۳۶۸
۵. فراوانی نعمت و آسایش ۳۶۸

۳۶۹	 منابع و متون زرتشتی
۳۷۳	 شرح کوتاهی از گشتاسپ
۳۷۴	 گشتاسپ در اوستا و نوشته‌های پهلوی
۳۷۷	 معجزات زرتشت
۳۷۷	 هوشید فرزند زرتشت
۳۷۸	 گشتاسپ در نوشته‌های فارسی
۳۸۱	 سرو فریومد
۳۸۲	 ابوالفضل بدیعی این داستان را چنین گزارش می‌کند:
۳۸۲	 سپس تر، برخی همه داستان را گزارش می‌کند که:
۳۸۴	 گشتاسپ در شاهنامه
۳۸۴	 چکیده داستان گشتاسپ در گزارش شاهنامه
۳۸۶	 پادشاهی گشتاسپ به بیان شاهنامه
۳۹۴	 اسطوره‌ای بی‌بدیل (کوروش پدر بزرگ ایران زمین)
۳۹۷	 نقاشی دوران کودکی کوروش، اثر ساسانیانو بیچی
۴۰۲	 یکی از داستان‌های تاریخ ایران باستان است
۴۱۱	 سخن‌های گزنفون درباره کوروش
۴۱۲	 وصیت‌نامه پدر بزرگ ایران زمین از زبان گزنفون
۴۱۵	 آرامگاه خواهر کوروش کبیر
۴۱۸	 کوروش
۴۱۹	 داریوش یکم
۴۲۱	 تقسیم قلمرو شاهنشاهی به چندین ساتراپ
۴۲۲	 ایجاد راه شاهی
۴۲۳	 ایجاد سپاه جاویدان
۴۲۳	 تنظیم مالیات‌ها
۴۲۳	 ارتباط دادن دریای مدیترانه و دریای سرخ
۴۲۴	 چگونگی ساخت کانال سوئز به فرمان داریوش

- ۴۲۷ سنگ نبشته‌ها و فرمان داریوش بزرگ برای ساخت آبراه ...
- ۴۳۲ ترجمه فارسی سنگ نبشته پارسی باستان داریوش بزرگ در سوئز ...
- ۴۳۵ دعای داریوش کبیر در تخت جمشید ...
- ۴۳۶ آریوبرزن ...
- ۴۳۷ تصویر آریوبرزن ...
- ۴۴۱ یوتاب از فرماندهان در سپاه آریوبرزن ...
- ۴۴۲ پادشاهی دارا ...
- ۴۴۶ نبرد شار در ذالاکتاف با عربان ...
- ۴۴۹ فصل ششم: نمادها و جشن‌های ایران باستان ...
- ۴۴۹ آزادسازی مصر توسط رسیان ...
- ۴۵۱ آتشکده آذر فرنیغ در ایران ...
- ۴۵۲ درینکو شهر شگفت‌انگیز نیرزمی زرتشتیان ...
- ۴۵۶ جشن‌ها و عیدهای ایران باستان ...
- ۴۶۱ جشن زایش اشو زرتشت پیام آورنده یکی با ...
- ۴۶۲ سیزده به در ...
- ۴۶۲ جشن سروشگان ...
- ۴۶۴ فروردینگان ...
- ۴۶۵ اردیبهشت ...
- ۴۶۵ اردیبهشتگان ...
- ۴۶۶ جشن چهل نوروز ...
- ۴۶۶ پانزده اردیبهشت ...
- ۴۶۷ خرداد ...
- ۴۶۸ عید عروج عیسی مسیح ...
- ۴۶۸ جشن خردادگان ...
- ۴۶۹ عید شاوو عوت ...
- ۴۷۰ عید پنطیکا است ...

۱۳	فهرست مطالب
۴۷۱	گل و گوجه عروس
۴۷۲	تیرماه
۴۷۳	پرسه همگانی تیر ماه
۴۷۴	نیایش پیر نارستانه
۴۷۵	جشن نیلوفر
۴۷۶	جشن تیر گان
۴۷۷	آب پاشی
۴۷۸	فال کوزه
۴۷۹	دستبند تیر و ماه
۴۸۱	جشن خام خواری
۴۸۱	زیارت پارس بانو
۴۸۳	زیارت گاه پارس بانو
۴۸۳	زیارت گاه پارس بانوی ایران
۴۸۶	عید نوسردایل
۴۸۶	امرداد
۴۸۷	عید واردآوار
۴۸۹	عید تادئوس
۴۹۱	جشن فندق
۴۹۲	زیارت پیر نارکی
۴۹۳	جشن می خواره
۴۹۳	عروج مریم عذرا
۴۹۴	جشن خاچوراتس
۴۹۵	شهریور
۴۹۶	جشن خزان
۴۹۷	جشن انار در روستای انبوه

۴۹۹	 جشن میترا کانا
۵۰۱	 جشن کاشت
۵۰۶	 سفره مهرگان
۵۱۲	 آذر و دی
۵۱۴	 جشن آذرگان
۵۱۸	 شب چله در آیین مهر
۵۱۹	 آیین‌های برگزاری جشن شب چله
۵۲۰	 دی
۵۲۱	 سیرسور
۵۲۳	 بهمن و اسفند
۵۲۷	 اسفند
۵۳۰	 چهارشنبه سوری
۵۳۱	 پیشینه جشن چهارشنبه سوری
۵۳۴	 گستره برگزاری جشن چهارشنبه سوری
۵۴۱	 فهرست منابع

پیشگفتار

جهان را بلندی پستی تویی ندانم چه‌ای هرچه هستی تویی

آنگاه که متن باستانی را خواندم و اسطوره‌ها را با دقت مورد مطالعه دقیق و سپس مورد ارزیابی و کنکاش و مقایسه با دیگر اسطوره‌های غیرایرانی قرار دادم بر من روشن گردید که پیام نه‌ایها و اسطوره‌ها و قهرمانان اسطوره‌ای ایران شهریم همواره پیامی ماورایی علمی و مذهبی با بار فلسفی و انسانگرایی و فرا ملیتی و سازنده بوده و هستند و به‌ویژه اینکه پیام این اساطیر بری از هرگونه تبعیضات نژادپرستانه و یا قومی قبیله‌ای می‌باشند و بری از هرگونه خشونت غیرمنطقی همانند، قتل و غارت بوده و هستند. درحقیقت فرهنگ ایران باستانی ما مرکب است از معنویت و پندارهای نیک و شادی و نشاط و بر همین پایه در طول سال بیشتر از سی‌وپنج جشن و سرور همانند، جشن نوروز و جشن بهرگان^۱ که به پاس داشت برکات جمشید و ایزدمهر در تقویم ایران تعریف شده بود و مناسبت این جشن‌ها به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شده‌اند.

ویژگی‌های مثبت و انسانی در پیام‌ها و فرهنگ باستانی ما را به بالاترین سطح از جوامع بشری قرار داشته و دارد آن چنانکه با قاطعیت می‌توان گفت، اساطیر ایران باستان خود نمادی از درستی و صداقت و معنویت بوده و هستند و بدون اغراق اساطیر ایران ما مظهر مهر و مهرورزی بوده و هستند. این گفتار را با اسناد معتبر در بخش‌های ذیل‌الذکر متناسب با همان موضوع مورد بحث به اثبات خواهم رساند.

۱- برای آگاهی بیشتر از جشن‌های ایران باستان رجوع شود، به کتاب آیین مهرپرستی بن مایه ادیان تألیف نگارنده.

هزاران افسوس که متجاوزین بی‌فرهنگ ملت ایران را از چنین فرهنگ غنی محروم کردند.

برای نمونه در اینجا از چند ایزد «اسطوره» ایران باستان نام می‌برم که یکی از کهن‌ترین اساطیر «ایزدان» ایران باستان محسوب می‌گردد و نزد محققین مشهور است و سابقه جهانی دارد و آن ایزدمهر «میترا» نگهبان خورشید است که علاوه بر ایران، آیین مهرپرستی تا قرن سوم میلادی دین رسمی غربیان بوده و میترا در جایگاه خدای بی‌همتای جهان غرب بوده است و مهرابه‌هایش هنوز در غرب موجودند.

مهرپرستی یا آیین مهر، آیینی بود که برپایه «پرستش میترا» در پارسی میانه «مهر» ایزد ایران باستان و خدای خورشید، عدالت، پیمان و جنگ، در دوران پیش از آیین زرتشت بدین نام آمده شد. نوع دگرگون‌شده این آیین بعدها به‌صورت آیین رازوری در امپراتوری روم شاعیه یافت و در طول سده‌های دوم و سوم پس از میلاد، در تمام نواحی تحت فرمانروایی روم، در سرزمین اصلی اروپا، آفریقا و بریتانیا برپا بود و خدای آن «میتراس» (معادل ایرانی می‌را) نام داشت.

رومیان از این آیین باعنوان «رازهای میتراس و یا رازهای پارسیان» یاد می‌کردند ولی امروزه محققان باعنوان میترائیسم از آن یاد می‌کنند.

همانطور پیشتر اشاره کردم ایزدانو یا ایزد آب و باران «آناهیتا» است که شرح کاملش در بخش‌های بعدی این کتاب خواهد آمد. این ایزدانو هم همانند میترا پیامش نیک و ماورائی و فراقومی و فراملیتی و خالی از هر گونه خشونت و تبعیض نژادپرستانه است و موجب افتخار هر ایرانی است که چنین سردان «فرشتگانی» داشته و به تکرار می‌گویم هزاران افسوس که متجاوزین با زور شمشیر چنین ایزدانی را از ما گرفتند و خدایانی را با پیام‌های خشونت‌آمیز و قوم‌گرا با رویکرد تبعیض نژادی جایگزین آنها کردند.

کافی است که به کتاب تورات «عهد عتیق» نگاهی بیافکنیم، خواهیم خواند که یهوه همه خیر و نیکی‌ها و نعمات را برای قوم خود می‌خواهد و همه ناخیرها و شرها و خشونت‌ها و... برای غیرخود و دیگران.

نمونه‌ای برای مثال و مقایسه می‌خوانیم که میترا ایزد ایرانی برای خشنودی خدا گاو^۲ نمادین را که در صور فلکی تعریف شده و سمبلیک است در «ضیافت عشای ربانی» قربانی می‌کند که یک امر تخیلی و سمبلیک است و مزبیت است با سیاره‌ها در امرستاره‌شناسی و نه آن حیوان، گاو مظهر نعمت است و پیروان میترائیسم رومی، برای پاگشایی، می‌بایست مناسکی مشتمل بر درجاتی هفت‌گانه را طی کنند. این مناسک در غارها و یا معابدی زیرزمینی و غارمانند به نام میترائیوم اجرا می‌شد. میتراس معمولاً به شکل مردی در حال قربانی کردن گاو نر تصویر می‌شد که اشخاص و همچنین حیوانات دیگری او را همراهی می‌کردند. مجموعه این نمادها به نشانه‌های ستاره‌شناسی، مانند اجرام آسمانی و صورفلکی تعبیر شده و «تاروکتونی» (گاوکشی) نامیده می‌شود.

گرچه در اوایل سده چهارم میلادی دین میترائیسم توسط کنستانتین امپراتور روم پس از پذیرفتن مسیحیت به دین رسمی تبدیل شد و دین مسیحیت به رسمیت گردید؛ اما تأثیرات میترائیسم در روم در دین مسیحی باقی مانده که یکی از آن ۳۰ مورد همین عشای ربانی است و بنده این تأثیرات را در کتاب آئین مهریست که به مایه‌ای ادیان نگاشته‌ام که در صورت نیاز می‌شود، رجوع کرد.

اسطوره‌شناسی دانشی است که به بررسی روایات اسطوره‌ها و جایگاه آنها در دنیای امروز می‌پردازد.

اسطوره نماد زندگی دوران پیش از دانش و صفت و نسای مشخص روزگاران باستان است. تحول اساطیر هر قوم، معرف تحول شکل زندگی، دگرگونی ساختارهای اجتماعی و تحول اندیشه و دانش است. درواقع، اسطوره، نشانگر یک دگرگونی بنیادی در پویای بالارونده ذهن بشری است. اساطیر، روایاتی است که از طبیعت و ذهن

۲- در آئین میترائیسم و یا مهر به لحاظ رازگونه بودنش گاو دیو نفس هم تعبیر شده. درحقیقت این قربانی کردن گاو به معنی قربانی کردن نفس مخرب شرور و زیانبار است و نه صرفاً کشتن حیوانی که جایگاهی اسطوره‌ای دارد و منشاء خیر و برکت است که در ذیل توضیح بیشتری خواهم داد.

انسان بدوی ریشه می‌گیرد و برآمده از رابطهٔ دوسویه این دو است معمولاً اسطوره‌ها چه ماورائی و چه غیرماورایی به واسطهٔ پیام و عملکرد نیک و مثبت‌شان جاویدان گشته‌اند و خواهان سعادت بشری هستند و الگوهای خوبی هستند، برای هدایت جامعهٔ بشری.

ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که در ادبیات کهن بسیاری از ملل، در اساطیر، افسانه‌ها، باورها و داستان‌هایشان، بارها از رویین‌تنان افسانه‌ای نیز سخن به میان آمده است. پهلوانانی که نامشان به عنوان سلحشورانی بی‌نظیر، نام‌آور و فوق‌متهور ذکر شده است. این رویین‌تنان اسطوره‌ای و فوق‌انسان‌ها؛ اما، متعلق به یک قوم، ملت، نژاد و منطقه نیستند، بلکه تقریباً در همهٔ اقوام وجود دارند. علت‌اش را می‌توان در ارزیابی بشر به حیات جاوید، بی‌مرگی و قدر قدرتی و جلوگیری از آسیب‌پذیری و برتری‌طلبی، جستجو کرد و این اسطوره‌ها بیشتر به خاطر قدر قدرتی بودن-شان و یا فوق بشری بودنشان به فرحی و ماورایی دارند.

ریشه واژه اسطوره

این واژه که جمع شکسته عربی آن به گونه اساطیر بیشتر به کار می‌رود، منشأ هند و اروپایی دارد. در زبان‌های هند و اروپایی نیز مشتقاتی دارد. در سنسکریت Sutra به معنی داستان است که به متن در نوشته‌های بودایی به کار رفته است. در یونانی Historia به معنی جستجو و آگاهی، در فرانسه (فرانسوی) Histoire، در انگلیسی به دو صورت Story به معنی «تاریخ»، داستان و قصهٔ تاریخی و History به معنای تاریخ، گزارش و روایت به کار می‌رود.

هنگام مطالعهٔ سرگذشت ملت‌ها و تمدن‌های مختلف در زمان‌های دور، این سؤالات در اذهان کنجکاو پدیدار می‌شود: که چرا در جهان دو نوع فلسفه، یعنی فلسفه شرق و فلسفه غرب، به وجود آمده است. چرا از دید مردم بعضی ملت‌ها صلح‌طلب‌اند و برخی دیگر عاشق جنگ و خونریزی. نیز هزاران پرسش دیگر از این قبیل که بی‌تردید پاسخ آنها را باید در اعماق شخصیت مردمان همان سرزمین‌ها و طرز فکر و دین و آیینی که از درون اذهان آنها سرچشمه گرفته است، جستجو کرد.

هدف ما از این بررسی‌ها، مقایسه عوامل ایجاد تفاوت در اندیشه و رفتار ملت‌ها، براساس اسطوره‌ها می‌باشد. اساطیر چنان ریشه در عمیق‌ترین لایه‌های وجود اقوام دارند که شاید نتوان به‌سادگی به این لایه‌ها دست پیدا کرد؛ اما از طریق تحلیل و بررسی اسطوره‌ها می‌توان به‌صورت رمزگشایی‌شده آنها دست پیدا کرد. بدین طریق می‌توان حوادث تاریخی و فرهنگی اقوام را بهتر توجیه کرد.

تاریخ به ما می‌گوید که عاقبت بعضی از اعمال و رفتارهای مردم و حکومت‌ها چه شده است؛ اما، ما با این کار خواهیم دانست که عاقبت باورهای مختلف چه شده و چه خواهد شد. شاید در این هزار توی تاریخ دنیا بتوانیم با نگاهی درست و برپایه عقل با ائمه‌ها و ادیان و مذاهب ملل مختلف، که به هزاران نوع می‌رسد، روبه‌رو شویم. برای مثال در رنج نمی‌کنیم، که چرا بعضی از غربیان به ماتریالیسم، اومانیسم و... گرایش دارند. زیرا این واژه‌ها تنها تعبیری مدرن از عقایدی چندین هزارساله است که در روی این ملت‌ها وجود دارد و در هر دوره تاریخی به حالتی خود را نمایان می‌سازد.

درحقیقت در دنیای زندگی ما، کنونی که مرز بین ملت‌ها و کشورها برداشته شده است. فرقی نمی‌کند که کجا باشیم؛ در غایت یک روز می‌توانیم به دورترین نقاط دنیا سفر کنیم و در کمتر از یک دقیقه می‌توانیم با مردم آن آنجا گرم صحبت شویم. به‌راحتی می‌توانیم با گمنام‌ترین طرز فکرها در سراسر دنیا آشنای شویم و از آنها پیروی کنیم. کتاب‌ها، مقالات و اینترنت می‌توانند بیشتر نیاز ما را به دانستن ارضا کنند.

اساطیر ایران به مجموعه اسطوره‌های ایرانیان اشاره می‌دارد. این اساطیر، ریشه آریایی داشته و تا میزان بسیار بالایی میان اقوام ایرانی و هندی وجه اشتراک دارد. اساطیر ایران از یک اصل و منشأ آریایی مشتق شده و تفاوت‌های محیطی ایران و هند و نیز فرهنگ متفاوت بومیان ایران و آریاییان ایرانی مهاجرت کرده به هند تفاوت‌هایی میان اساطیر هندی و ایرانی موجب شده است. آنچه از اساطیر کهن ایرانی امروزه باقی‌مانده بیشتر به اوستا بازمی‌گردد. در آغاز هزاره یکم پیش از میلاد زرتشت اصلاحاتی را در عقاید و در پی آن اساطیر ایرانی پدید آورد.

با این وجود در قسمت‌های متأخر اوستا مانند، یشت‌ها عقاید و باورهای پیش از زردشت ایرانیان وارد دین شده که به‌عنوان منشأ و منبع شناخت اساطیر ایرانی بکار می‌رود. این اساطیر مبتنی بر دو بن‌گرایی و مظاهر خوب و بد بوده و تاریخ روایی خاصی دارند که از تاریخ ثبت‌شده سرزمین ایران متفاوت است.

اساطیر ایران به‌جز اساطیر منعکس‌شده در اوستای متأخر به‌صورت محدود در سنگ‌نبشته‌های فارسی باستان و متون غیرایرانی به‌ویژه یونانی آمده است. همچنین ایرانیان اساطیر متفاوت؛ اما هم‌ریشه دیگری با اساطیر اوستایی داشته‌اند. که شامل اساطیر مانوی و زروانی و مهرپرستی می‌شود. تاریخ اساطیری ایران نیز از دوره اشکانیان و سپس ساسانیان ثبت و بعدها به فارسی و عربی ترجمه شد. شاهنامه فردوسی مهم‌ترین منبع شناخت تاریخ اساطیری ایران است.

اجازه دهید با یک سفری به هزاران سال پیش داشته باشیم. در یک زمان چندین نوع نظام فکری در جهان زندگی می‌کرد که هریک مخصوص یک ملت بود. این باورها چندین هزار سال زندگی کرده و چندمیلیون نفر آن را ساخته بودند و هریک دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بودند.

اگر همه ملت‌ها مثل هم فکر می‌کردند که دیگر فلسفه غرب و شرق معنایی نداشت. قوم تاتار در کنار اندیشه صلح‌طلبانه، نژاد، جمهوری دموکراتیک روم در کنار فرمانروایی مطلق فراغت و بانوان ایرانی در کنار باز، نزوی و برده‌گونه سامی و غیرسامی مغرب زمین به‌وجود نمی‌آمد. این حاصل همان سال‌هایی است که در قالب فکری و فرهنگی که نهادینه گشته در ملت‌ها تبدیل به اعتقادات آنها و اعتقادات آنها تبدیل به اعمال و رفتار و راه روش آیین آنها می‌شد و اغلب جنبه تقدس می‌یافت و ماورایی می‌شد و مسئول آن نه یک نفر، بلکه تک‌تک افراد یک ملت هستند.

صدالبته که زیرکان سودجو در تقدس بخشیدن به این رویه نقش اساسی ایفا کرده‌اند و در نتیجه ماهیت و جوهره هر ملت که همان نظام فکری و اخلاق جمعی آنهاست خود را در این مجموعه اعتقادات و رفتارها نمایان می‌سازد.